

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



نکته‌ها در قانون اساسی

مؤلف:

مریم سادات بنی هاشمی

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: بنی هاشمی، مریم سادات، ۱۳۷۸-
عنوان قراردادی	: ایران. قانون اساسی (جمهوری اسلامی) Iran. Qanun assasi (Jomhuri Eslami)
عنوان و نام پدیدآور	: نکته‌ها در قانون اساسی / مولف مریم سادات بنی هاشمی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: Constitutional law -- Iran ایران -- حقوق اساسی
موضوع	: شورای نگهبان
موضوع	: Constitutions -- Iran ایران -- قانون اساسی
رده بندی کنگره	: KMH۲۰۶۴/۵۱۳۶۸
رده بندی دیویی	: ۳۴۲/۵۵۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۱۸۶۰۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا
نام کتاب	: نکته‌ها در قانون اساسی
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: مریم سادات بنی هاشمی
نوبت و سال چاپ	: اول- ۱۴۰۱
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۵۱-۴
قیمت	: ۲۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزشی عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

بخش اول: نکته‌ها ۱۰

۱۰	فصل اول: اصول کلی
۲۹	فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور
۳۳	فصل سوم: حقوق ملت
۴۹	فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی
۵۹	فصل پنجم: حق حاکمیت ملی و قوای ناشی از آن
۶۵	فصل ششم: قوه مقننه
۹۸	فصل هفتم: شوراها
۱۰۳	فصل هشتم: رهبری
۱۱۶	فصل نهم: قوه مجریه
۱۵۰	فصل دهم: سیاست خارجی
۱۵۳	فصل یازدهم: قوه قضائیه
۱۷۴	فصل دوازدهم: صدا و سیما
۱۷۶	فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی
۱۷۸	فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی

بخش دوم: نظرات تفسیری شورای نگهبان ۱۸۱

۱۸۱	اصل چهارم
۱۸۴	اصل بیست و دوم
۱۸۶	اصل سی‌ام
۱۹۰	اصل چهل و سوم
۱۹۲	اصل چهل و چهارم
۱۹۵	اصل پنجاه و دوم

۱۹۸.....	اصل پنجاه و سوم
۲۰۲.....	اصل پنجاه و پنجم
۲۰۴.....	اصل پنجاه و هفتم
۲۰۶.....	اصل پنجاه و نهم
۲۰۷.....	اصل شصتم
۲۰۸.....	اصل شصت و نهم
۲۱۱.....	اصل هفتادم
۲۱۴.....	اصل هفتاد و یکم
۲۱۶.....	اصل هفتاد و سوم:
۲۱۹.....	اصل هفتاد و چهارم
۲۲۰.....	اصل هفتاد و پنجم
۲۲۱.....	اصل هفتاد و ششم
۲۲۶.....	اصل هفتاد و هفتم
۲۳۶.....	اصل هشتادم
۲۳۷.....	اصل هشتاد و یکم
۲۴۰.....	اصل هشتاد و دوم
۲۴۳.....	اصل هشتاد و چهارم
۲۴۷.....	اصل هشتاد و پنجم
۲۵۵.....	اصل هشتاد و ششم
۲۵۸.....	اصل هشتاد و هشتم
۲۶۶.....	اصل نود و یکم
۲۶۷.....	اصل نود و چهارم
۲۷۰.....	اصل نود و ششم

۲۷۴	اصل نود و هفتم
۲۷۵	اصل نود و هشتم
۲۷۶	اصل نود و نهم
۲۷۸	اصل یک صد و یازدهم
۲۸۰	اصل یکصد و دوازدهم
۲۸۴	اصل یکصد و سیزدهم
۲۸۸	اصل یکصد و هفدهم
۲۸۹	اصل یکصد و بیست و یکم
۲۹۱	اصل یکصد و بیست و پنجم
۲۹۷	اصل یکصد و بیست و ششم
۳۰۱	اصل یکصد و بیست و هفتم
۳۱۰	اصل یکصد و بیست و هشتم
۳۱۱	اصل یکصد و سی ام
۳۱۳	اصل یکصد و سی و یکم
۳۱۴	اصل یکصد و سی و سوم
۳۱۶	اصل یکصد و سی و چهارم
۳۲۱	اصل یکصد و سی و پنجم
۳۲۶	اصل یکصد و سی و ششم
۳۲۸	اصل یکصد و سی و هفتم
۳۳۰	اصل یکصد و سی و هشتم
۳۴۸	اصل یکصد و سی و نهم
۳۵۴	اصل یکصد و چهل و یکم
۳۶۷	اصل یکصد و چهل و چهارم

۳۶۹	اصل یکصد و چهل و پنجم
۳۷۰	اصل یکصد و پنجاه و ششم
۳۷۴	اصل یکصد و پنجاه و هشتم
۳۸۱	اصل یکصد و شصتم
۳۸۷	اصل یکصد و شصت و یک
۳۸۹	اصل یکصد و شصت و چهارم
۳۹۰	اصل یکصد و هفتادم
۳۹۴	اصل یکصد و هفتاد و چهارم
۳۹۵	اصل یکصد و هفتاد و پنجم

وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ...

نکته‌ها در قانون اساسی، علاوه بر آنکه انس بیشتر خواننده با اصول قانون اساسی را دنبال می‌کند، بر آن است تا گامی فراتر از روخوانی صرف اصول قانون اساسی بردارد. مترتب بر این امر، هدف اصلی این اثر، فهم آسان‌تر قانون اساسی است و مبتنی بر این هدف، تلاش شده تا مطالب ذیل هر اصل به گونه‌ای بیان گردند که مفهوم، مبانی و قلمرو آن اصل به درستی مطرح شوند و خواننده را در دستیابی به مفهوم اصل راهنمایی کنند.

آنچه در پایان شایسته‌ی ذکر است آنکه اساساً اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلیل ماهیت و ایدئولوژی مکتبی نظام جمهوری اسلامی، مستلزم تأمل، تحلیل و حاشیه‌های متعددی می‌باشد که مقتضی است در یک اثر تفصیلی و تحلیلی مستقل به آنها پرداخته شود.

مریم سادات بنی‌هاشمی

زمستان ۱۴۰۰



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم

الناس بالقسط



بخش اول: نکته‌ها

فصل اول: اصول کلی

فصل اول قانون اساسی به اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران از نظر ماهوی پرداخته است و محتوا و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌نماید.

اصل اول:

نوع حکومت

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همده‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

نکات مهم

۱. اصل اول بیانگر نوع نظام سیاسی حکومت ایران است و نظام سیاسی که قانون اساسی ایران تبیین کرده، جمهوری اسلامی است.
۲. جمهوری به معنای اتکای حکومت به آرای مردم است. (صحیفه امام، جلد ۴، صفحه ۴۴۴)
۳. استفاده از کلمه اسلامی در نوع حکومت بیانگر آن است که اسلام دین رسمی کشور است و در اداره امور کشور نقش اساسی دارد و باید تمامی مقررات بر طبق موازین اسلامی باشد.
۴. جمهور بیانگر نوع حکومت و اسلامی بودن مربوط به محتوای آن است. (مجموعه مقالات گذری بر انقلاب اسلامی ایران، مقاله «مقدمه‌ای بر جمهوری اسلامی»، دکتر ناصر کاتوزیان، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، صفحه ۶۸) به عبارت دیگر قوانین و محتوای نظام جمهوری اسلامی باید براساس موازین اسلام و شیوه اداره کشور به شکل جمهوری و اتکا به آرا مردم باشد.
۵. مبنای انتخاب این نوع حکومت، اعتقاد دیرینه مردم به حکومت حق و عدل قرآن است.

۶. جمهوری اسلامی ایران نتیجه انقلاب اسلامی مردم ایران است.
۷. همه‌پرسی به معنا رجوع به آرا عمومی و به مشورت گرفتن مستقیم مردم در باب مسائل مهم مملکتی و وضع یا تغییر و اصلاح قانون است (بایسته‌های حقوق اساسی، قاضی شریعت پناهی، صفحه ۱۲۷).
۸. ذکر آمار همه‌پرسی ملت، در اصل اول به عنوان سندی است که انتخاب و آرا مردم را مستندسازی می‌کند و پایه قانون اساسی را استحکام می‌بخشد. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحات ۱۹۷ و ۱۹۸)
۹. اصول ۶، ۶۳، ۸۷، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای اصل اول قانون اساسی و بیانگر جمهوری بودن نظام ایران است.

اصل دوم:

مبانی و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران

جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:
 - الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین،
 - ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها،
 - ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

نکات مهم

۱. اصل دوم نیز یکی از اصول کلی در قانون اساسی است که معیارهای نظام اجتماعی را پایه‌ریزی می‌کند.
۲. این اصل در دو قسمت تنظیم شده است که قسمت اول بیانگر مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران است و قسمت دوم راه رسیدن به این مبانی را بیان می‌کند.

۳. از آنجا که جمهوری اسلامی یک نظام و ترکیب جدید بوده است، لازم می‌باشد تا در قانون اساسی نوع حکومت توصیف شود. بنابراین در اصل دو پایه‌ی اساسی که جمهوری اسلامی براساس آن شکل گرفته، بیان شده است. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحه ۲۲۳)
۴. به دلیل اینکه تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر پایه اعتقاد دیرینه مردم به حکومت حق و عدل قرآن بوده است (اصل ۱ قانون اساسی) بنابراین لازم و ضروری است که ادامه و استمرار عملکرد حکومت جمهوری اسلامی با همان مبانی باشد.
۵. بند ۱ اصل ۲ بیانگر اختصاص داشتن حاکمیت و قانون‌گذاری به حق تعالی و مبنای حاکمیت است.
۶. بند ۱ اصل ۲ بر مبنای اصل توحید در اصول دین بنا شده است.
۷. به دلیل اینکه در بند ۱ بیان شده است حاکمیت مطلق از آن خداست بنابراین لازم است تسلیم امر الهی بوده و هرگونه اعمال قانون‌گذاری و... باید مطابق شریعت الهی باشد.
۸. بینش توحیدی که در بند ۱ اصل ۲ ترسیم شده است، بیانگر حکومتی توحیدی است که در تضاد با هرگونه حکومت لیبرالی و اومانیستی و حتی استبدادی است.
۹. اساس بند ۱ اصل ۲ قاعده و اصل عدم ولایت است و به معنای آن است که هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد جز خداوند و این اصل قانون اساسی مرز میان اومانیستی و مسلمانی را مشخص می‌کند، چراکه فردی که دنیا محور است اعتقاد دارد هیچ موجودی بر انسان حاکمیت ندارد حتی خداوند، اما مسلمان حاکمیت مطلق الهی بر انسان را پذیرفته است.
۱۰. اصل ۱۵۶ قانون اساسی براساس بند ۱ اصل ۲ تبیین شده است.
۱۱. بند ۲ اصل ۲ بیانگر شیوه دسترسی به احکام الهی است که راه این دسترسی از طریق وحی به پیامبران و ابلاغ آن توسط پیامبران بر مردم است.
۱۲. براساس بند ۲، قوانین و هنجارهای نظام جمهوری اسلامی ایران باید برطبق شریعت و مطابق موازین الهی باشد.
۱۳. بند ۲ اصل دوم قانون اساسی مبتنی بر پایه‌ای است که نظام جمهوری اسلامی ایران را از سایر نظام‌ها جدا می‌کند زیرا در نظام‌های دیگر تصمیم‌گیری در مورد قوانین و وضع آنها بر پایه افکار انسان است و نظرات انسانی در تشریح قانون دخالت دارد نه احکام و وحی الهی. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحه ۲۲۵)
۱۴. اصل ۴۴ قانون اساسی براساس بند ۲ اصل ۲ مقرر شده است.
۱۵. بند ۳ اصل ۲ یکی از اصول پنج‌گانه اسلام را مطرح می‌کند که معاد است و چون به انسان می‌آموزد که جهان دارای غایت و هدف است و انسان در برابر خدا مسئول است، انسانی مسئول در برابر رعایت قوانین الهی تربیت می‌کند.

۱۶. بند ۴ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر یکی دیگر از اصول پنج‌گانه اسلام به نام عدل است که عدل در تعریف امام علی علیه‌السلام این‌گونه آمده است «العدل یضع الامور مواضعها» عدل عبارت است از قرار دادن هر چیز بر سر جای خودش (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷)
۱۷. عدل در خلقت به معنای این است که نظام هستی بر عدل و توازن مستقر شده است و عدل در تشریع به معنای رعایت اصل عدل در وضع قوانین الهی است. (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دکتر سید محمد هاشمی، جلد ۱، صفحه ۸۸)
۱۸. براساس اعتقادی که در بند ۴ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است، عدالت باید در نظام اجتماعی اجرا شود و تبعیضی وجود نداشته باشد.
۱۹. اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی مبتنی بر بند ۴ اصل ۲ قانون اساسی می‌باشد.
۲۰. به دلیل اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس موازین اسلامی است و شیوه مدیریت صحیح جامعه طبق چهارچوب اسلام در قالب امامت است و جامعه اسلامی بدون حضور رهبر و امام نمی‌تواند پایدار باشد در بند ۵ اصل ۲ قانون اساسی، امامت و رهبری مستمر به عنوان یکی از بنیان‌های نظام جمهوری اسلامی ایران آمده است.
۲۱. بند ۵ اصل ۲ قانون اساسی براساس آیه اطاعت: «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ از خدا و رسول و آنان که صاحب‌اختیار امور هستند، اطاعت کنید. (آیه ۵۸ سوره نساء)» می‌باشد و دلالت بر لزوم امامت و ادامه رهبری در اداره امور مسلمین دارد تا جامعه هیچ‌گاه بدون رهبر نماند.
۲۲. اصل ۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای بند ۵ اصل ۲۲ قانون اساسی بنا شده است.
۲۳. کرامت بر دو نوع است:
- یک) کرامت ذاتی که به معنای این است که انسان بالذات دارای کرامت است و آیه «و لقد کرمنا بنی آدم. آیه ۷۰ سوره اسراء» مؤید این نوع کرامت است.
- دو) کرامت اکتسابی که به معنای این است که منزلت‌های متفاوتی با توجه به رفتارهای انسانی، ایجاد می‌شود و انسان‌ها نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند. (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، دکتر سید محمد هاشمی، جلد ۱، صفحه ۹۳)
۲۴. بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی دربردارنده هر دو نوع کرامت انسانی است چراکه کرامت به طور عام در این بند به کار رفته است.
۲۵. آزادی انسان که در قانون اساسی و بند ۶ اصل ۲ بیان شده است، آزادی مطلق و بی چهارچوبی نیست بلکه این آزادی توأم با مسئولیت در برابر خداوند است زیرا اراده و آزادی انسان در طول اراده خداوند است نه در عرض آن.
۲۶. ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر، مرتبط با بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی و بیانگر آزادی انسان‌هاست.
۲۷. اصول ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳، بند ۴ اصل ۴۳ و ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصل

- آزادی است که در بند ۶ اصل ۲ ترسیم شده است.
۲۸. ماده ۱۰ قانون مدنی ایران که بیانگر آزادی در قرارداد است مبتنی بر اصل آزادی بند ۶ اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.
۲۹. قسمت دوم اصل ۲ قانون اساسی به روش‌های رسیدن به مبانی ترسیم شده در قسمت اول اصل ۲ پرداخته است.
۳۰. روش‌هایی که در قسمت ۲ اصل ۲ در دستور کار قرار گرفته است عبارتند از:
۱. اجتهاد مستمر فقها ۲. استفاده از دانش پیشرفته بشری ۳. نفی هرگونه ستم و سلطه و برقراری عدل، استقلال و همبستگی ملی.
 ۳۱. به دلیل اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران براساس قوانین اسلامی است بنابراین به درک و اجرای احکام اسلامی نیاز است. در زمان حضور پیامبر و ائمه (علیه‌السلام) به طور مستقیم احکام اسلامی در دسترس بوده است اما از زمان غیبت امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) راه رسیدن به درک و اجرای احکام اسلامی تنها توسط فقها صورت می‌گیرد.
 ۳۲. اجتهاد به معنا قدرت استنباط حکم شرعی است. (تنقیح فی شرح العروه الوثقی، ابوالقاسم خویی، جلد ۱، صفحه ۱۲۸)
 ۳۳. فقهی که دارای قدرت استنباط احکام از ادله است و شرایط لازم همچون ایمان، عدالت، زهد و پارسایی را برای تصدی منصب مرجعیت دارد، فقیه جامع شرایط نام دارد. (جواهرالکلام، شیخ محمدحسین نجفی، جلد ۲۱، صفحه ۳۹۹)
 ۳۴. منظور از کتاب، قرآن است و منظور از سنت، قول، فعل و تقریر پیامبر و ائمه (علیه‌السلام) است. (اصول فقه، مظفر، جلد ۲، صفحه ۶۴ و ۶۵)
 ۳۵. عبارت «نفی هرگونه سلطه‌پذیری» براساس قاعده و اصل نفی سبیل است. قاعده نفی سبیل، قاعده فقهی است که هرگونه تسلط بیگانگان بر مسلمانان را ممنوع اعلام کرده است.
 ۳۶. نفی ستم، ناظر بر قلمرو داخلی و نفی سلطه، ناظر بر قلمرو خارجی جمهوری اسلامی ایران است.^۱ (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، سید محمد هاشمی، جلد ۱، صفحه ۱۱۳)

۱. منظور از نفی ستم عدم پذیرش ظلم حاکمان و نفی سلطه مقابله با تسلط بیگانگان است.

اصل سوم:

وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی ایران

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقویت و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
- ۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات، رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
- ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
- ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
- ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
- ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی.
- ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
- ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
- ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
- ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور.
- ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
- ۱۲- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
- ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
- ۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

نکات مهم

۱. واژه دولت در این اصل به معنای حکومت است نه صرفاً قوه مجریه.
۲. انواع معانی دولت در علم حقوق اساسی به شرح زیر است:
 - ۱- دولت به معنای کشور: دولت به معنای کشور، معادل اصطلاح state در زبان انگلیسی است که از آن به دولت ملی، دولت - ملت و دولت - کشور نیز تعبیر می‌شود. این معنا مفهومی انتزاعی از یک هویت حقوقی مستقل است که در عرصه‌ی بین‌الملل، با سه عامل جغرافیایی، جمعیتی و سیاسی از دیگر واحدها متمایز می‌شود. به این ترتیب، کشور ایران در مقابل کشورهای دیگر به عنوان یک دولت مستقل قرار می‌گیرد.
 - ۲- دولت به معنای حکومت: حکومت یا همان government به تعبیر انگلیسی، ناظر بر هیأت حاکم (طبقه فرمانروا یا نهادهای حاکمیتی) است که در برابر ملت قرار دارد. حکومت، عینیت و تجسم دولت است. اجزای حکومت فراتر از قوای سه‌گانه است و به طور کلی شامل هر نهاد و شخصی است که از قدرت عمومی برخوردار بوده و اعمال قدرت کند. بنابراین، اجزای حکومت شامل: همه قوای حاکمیت (مقننه، مجریه و قضائیه)، شهرداری (که زیر مجموعه هیچ کدام از قوا نیست)، شوراهای اسلامی شهر و روستا و برخی اصناف مثل نظام پزشکی و برخی اشخاص حقوقی.
 - ۳- دولت به معنای قوه مجریه (executive): قوه مجریه، یکی از ارکان و قوای حکومت است که امروزه در همه کشورها وجود دارد و مسئول امور اجرایی به‌طور کلی است. این قوه در عرض قوای قضائیه و مقننه است. معمولاً رئیس آن، رئیس‌جمهور و در برخی کشورها نخست‌وزیر است.
 - ۴- دولت به معنای هیأت وزیران: هیأت وزیران بخشی از قوه مجریه را تشکیل می‌دهد (قوه مجریه شامل رئیس‌جمهور، هیأت وزیران، وزارتخانه‌ها، استانداری، فرمانداری، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی است).
۳. اصل ۳ بیانگر وظایف حکومت جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی در بعد داخلی و خارجی است.
۴. بند ۱ بیانگر مبنای کرامت انسانی (بند ۶ اصل ۲) است.
۵. بند ۳ و ۴ براساس ایجاد استقلال و نفی هرگونه سلطه‌پذیری (قسمت ۲ فصل ۲) است؛ وقتی جامعه به رشد علمی و فنی برسد به استقلال رسیده است و زیر بار سلطه اجانب نمی‌رود. همچنین دو بند مذکور گویای بند ب اصل ۲ هستند.
۶. عبارت «برای همه» در بند ۳ اصل ۳ بیانگر مفهوم «عدل» در اصل ۲ می‌باشد.
۷. بند ۵ و ۶ بر طبق بند ج اصل ۲ قانون اساسی که نفی سلطه‌پذیری است، می‌باشد.
۸. بند ۷ براساس آزادی مذکور در بند ۶ اصل ۲ می‌باشد.
۹. بند ۸ ویژگی جمهوری بودن نظام را عملی می‌کند.

۱۰. بند ۹ حاکی از «رعایت عدل» ذکر شده در اصل ۲ می‌باشد.
۱۱. بند ۱۱ بیانگر هدف مذکور در بند ج اصل ۲ است.
۱۲. بند ۱۲ از مبنای عدل، در زمینه اقتصاد سخن می‌گوید.
۱۳. بند ۱۳ طبق بند ب اصل ۲ و استقلالی که در بند ج اصل ۲ ذکر شده است، می‌باشد.
۱۴. بند ۱۴ لزوم رعایت عدل را خاطر نشان می‌نماید.
۱۵. بند ۱۵ همبستگی ملی ذکر شده در بند ج اصل ۲ را نشان می‌دهد.
۱۶. بند ۱۶ حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان براساس هدف نفی ستمگری در بند ج اصل ۲ می‌باشد. این بند براساس آیه اخوت «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... مؤمنان برادر یکدیگر هستند (حجرات- ۱۰)» بنیان‌گذاری شده است.

اصل چهارم:

ضرورت ابتدای کلیه قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

نکات مهم

۱. نظام جمهوری اسلامی ایران، حکومتی بر مبنای ایمان به خدا و تشریح الهی است، اصل چهارم بیان می‌دارد که کلیه قوانین و مقررات در حکومت جمهوری اسلامی ایران باید براساس موازین اسلامی باشد.
۲. اصل چهارم از دو بخش تشکیل شده است: قسمت اول به لزوم تطبیق قوانین و مقررات براساس موازین اسلامی و قسمت دوم به لزوم تطبیق، تفسیر و برداشت از اصول قانون اساسی، قوانین و مقررات بر طبق موازین اسلامی می‌پردازد.
۳. در قسمت دوم اصل ۴ باید به این نکته توجه داشت که عبارت «این اصل بر اطلاق یا عموم قانون اساسی، قوانین و مقررات دیگر حاکم است»؛ به این معنا نیست که ممکن است برخی اصول قانون اساسی یا قوانین و مقرراتی که تصویب شده‌اند خلاف اسلام باشند، بلکه به این معنا است که اگر اصل یا قانون و مقرره‌ای، اطلاق یا عموم دارد و قابل تفسیر و برداشت است، نمی‌توان تفسیر و برداشتی از آنها ارائه داد که برخلاف اسلام باشد.

۴. تشخیص این امر که تفسیر و برداشتی از اطلاق و عموم اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات طبق موازین اسلامی هست یا خیر، برعهده فقهای شورای نگهبان است.
۵. این اصل صرفاً شامل نظارت بر قوانین نیست بلکه نظارت بر مقررات را هم شامل می‌شود. به عبارت دیگر، این اصل تنها بر مصوبات مجلس شورای اسلامی حاکمیت ندارد بلکه ناظر بر هر مقرره‌ای که اثر قانونی دارد، می‌باشد.

اصل پنجم:

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یک صد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

نکات مهم

۱. در راستای عملیاتی کردن بند ۵ اصل دوم قانون اساسی که امامت و رهبری مستمر را یکی از پایه‌های اساسی جمهوری اسلامی می‌داند؛ قانون اساسی در اصل ۵ نهاد ولایت فقیه را تبیین می‌کند.
 ۲. اصطلاح ولایت امر که در اصل ۵ ذکر شده، از عبارت آیه ۵۳ سوره نسا برگرفته شده است و ترکیبی از دو مفهوم «ولایت» و «امر» می‌باشد.
 ۳. ولایت از واژه ولی گرفته شده و به معنای کسی است که به تدبیر امور دیگران می‌پردازد (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، جلد ۲، صفحه ۶۳).
 ۴. ولایت به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از: ولایت تکوینی، ولایت بر تشریح و ولایت در تشریح
- ۱- ولایت تکوینی: ناظر بر خلقت مخلوقات است لذا از بدو خلقت و بدون اراده مخلوقات بر آنها اعمال می‌شود.
 - ۲- ولایت بر تشریح: به معنای ولایت بر قانون‌گذاری و تنظیم قواعد و مقررات لازم برای زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست و کسی شایسته داشتن این ولایت است که ولایت تکوینی را دارا باشد و خداوند تنها کسی است که دارای ولایت تکوینی است. از این رو تنها خداوند حق بر تعیین قواعد و مقررات را برای زندگی بشر دارد.
 - ۳- ولایت در تشریح: بدین معناست که در حوزه قانون‌گذاری که از سوی خداوند صورت گرفته

- است گروهی حق سرپرستی براساس فرامین الهی را دارند و این نوع ولایت ۲ قسم است:
- الف: ولایت بر محجوران و ب: ولایت بر جامعه خردمندان.
۵. از میان این سه نوع ولایت، ولایت فقیه از نوع سوم یعنی ولایت در تشریح است اما نه در معنای ولایت بر محجوران بلکه به معنای ولایت بر جامعه خردمندان، زیرا اساس ولایت فقیه، ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی صورت می‌گیرد (تحلیل مبانی اصل ۵ قانون اساسی، آیت‌الله کعبی، صفحات ۶ الی ۹).
۶. مفهوم امر به معنای فرمان است. (المنجد، لويس معلوف ص ۱۷) در نتیجه ولی امر به معنای کسی است که برای اجرای احکام اسلامی و مدیریت جامعه اسلامی دستور و فرمان می‌دهد و دیگران از آن اطاعت می‌کنند و حکومت جامعه اسلامی در دست اوست.
۷. امامت امت، یک مفهوم مکمل است یعنی دو مفهومی که باید در کنار هم فهمیده شوند، به عبارت دیگر تا امام نباشد، امت معنایی ندارد و تا امت نباشد امامی هم وجود ندارد.
۸. امام در لغت به معنای پیشوا و رهبری گروه و جماعت و در اصطلاح به معنای ریاست عمومی در امور دین و دنیا است (شرح المقاصد، سعدالدین تفتازانی، جلد ۵، صفحه ۲۳۲).
۹. ذکر این نکته حائز اهمیت است که امامت و ولایت حقیقتی، مختص پیامبر و جانشینان او یعنی ائمه اطهار است اما در زمان غیبت امام معصوم این نوع ولایت و امامت به صورت نیابتی به عالمان دینی سپرده شده است.
۱۰. در خصوص ولی فقیه، اصل ۵ در مقام وضع و نهادینه کردن جایگاه ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران است.
۱۱. اصل ۱۰۹ شرایط و ویژگی‌های لازم برای تصدی ولایت فقیه را بیان می‌کند و اصل ۱۰۷ در خصوص نحوه انتخاب ولی فقیه و عهده‌دار شدن منصب رهبری است.
۱۲. به منظور پرهیز از تکرار ادامه اصل که به صفات رهبری پرداخته است ذیل اصل ۱۰۹ توضیح و تشریح داده می‌شود.

اصل سابق

در زمان غیبت حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم:**اداره کشور به اتکای آرای عمومی**

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرا عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخابات رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

نکات مهم

۱. اصل ششم اولاً یک بنیان است چرا که به لزوم مشارکت مردم در اداره امور کشور و اتکاء به آرای عمومی می‌پردازد و مهر تأییدی بر جمهوری بودن نظام ایران می‌زند ثانیاً یک مکانیزم و سازوکار است، زیرا روش مشارکت مردم (انتخابات و همه‌پرسی) در اداره امور کشور را تبیین می‌کند.
۲. انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت انتخاب فرمانروایان می‌باشد و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و متصدیان نهادهای سیاسی اعمال کرد (بایسته‌های حقوق اساسی، دکتر قاضی شریعت پناهی، صفحه ۲۹۱).
۳. همه‌پرسی به معنای رأی‌گیری مستقیم از همه اعضای تشکیل دهنده یک جامعه برای رد یا تصویب سیاستی که رهبران یا نمایندگان آن جامعه پیشنهاد کرده‌اند، می‌باشد.
۴. انتخابات در خصوص تعیین نمایندگان و صاحب‌منصبان حکومتی و همه‌پرسی در خصوص مسائل مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بازرگاری در قانون اساسی است.
۵. این اصل با اصول ۱۷۷، ۱۱۳، ۱۰۰، ۹۹، ۶۲، ۵۹ مرتبط است.

اصل هفتم:**نقش شوراها در اداره کشور**

طبق دستور قرآن کریم: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشوراند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

نکات مهم

۱. مشورت به معنای تعاطی^۱ افکار، تضارب آرا، به دست آوردن رأی و نظر دیگران با مراجعه به آنان و نیز کشف و استنباط آرای اهل درک و دقت است (قاموس قرآن، علی اکبر قرشی)
۲. قانون اساسی در این اصل نهادهای شورایی نظیر مجلس شورای اسلامی را در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد تصمیم‌گیری و اداره امور کشور معرفی کرده و اساس کار آنها را مشورت تعیین کرده است و لازم داشته که بر مبنای مشورت، امور کشور را اداره کنند و تصمیم بگیرند.
۳. این اصل، شوراهای استان، و شهر و روستا را از منظر اداره امور کشور در کنار شأن مجلس شورای اسلامی قرار داده است، منتها مجلس شورای اسلامی در سطح ملی تصمیم می‌گیرد و شوراهای استان، و شهر و روستا در سطح محلی یعنی برای استان، شهر و روستای مربوط به خود تصمیم می‌گیرند.

اصل هشتم:

وظیفه متقابل دعوت به خیر مردم و دولت

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

نکات مهم

۱. در تعریف امر به معروف و نهی از منکر آمده است: امر به معروف به معنی دعوت به اعمالی است که از لحاظ عقل یا شرع پسندیده می‌باشد و نهی از منکر یعنی بازداشتن از هر کار و سخنی که مورد انکار عقل و شرع است. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، جلد ۲، صفحه ۸۰۷)
۲. قانون اساسی مشتمل بر حقوق و وظایف است. دامنه وظایف بیشتر شامل دولت و حکومت است اما در برخی اصول وظایفی را هم بر عهده مردم قرار داده است، از جمله اصل ۸ که امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته و هم مردم و هم دولت را مورد خطاب قرار داده است.
۳. از منظر اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر دو مفهوم جداگانه است که با هم تفاوت دارند. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحه ۴۱۱)

۴. «دعوت به خیر» تقدم رتبه‌ای نسبت به «امر به معروف و نهی از منکر» دارد و دعوت به خیر مقدمه امر به معروف و نهی از منکر است. در مرحله اول باید دعوت به خیر انجام بگیرد و پس از آن نوبت به امر به معروف و نهی از منکر می‌رسد (مجموعه آثار، مرتضی مطهری، جلد ۱۷، صفحه ۳۲۳)
۵. امر به معروف و نهی از منکر شامل ۳ رکن است که عبارتند از:
- ۱) امرکننده یا نهی‌کننده
 - ۲) امرشونده یا نهی‌شونده
 - ۳) موضوعی که مورد امر و نهی قرار می‌گیرد
۶. بر اساس اصل ۸، دولت و مردم می‌توانند هم در مقام امرکننده و نهی‌کننده و هم در مقام امرشونده و نهی‌شونده قرار گیرند لذا ۲ رکن اول امر به معروف و نهی از منکر، هم ناظر بر مردم است و هم ناظر بر دولت.
۷. مراد از دولت در این اصل به معنای حکومت و کلیت نظام است نه صرفاً قوه مجریه. اگر دولت را در معنای قوه مجریه خلاصه کنیم بسیاری از نهادهای حکومتی شامل این اصل نمی‌شوند در حالیکه این اصل دارای اطلاق است و مقصودش همه نهادهایی است که امور کشور را برعهده دارند.
۸. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مرتبط با این اصل می‌باشد.

اصل نهم:

اهمیت حفظ آزادی، استقلال و تمامیت ارضی کشور

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروهی یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

نکات مهم

۱. یکی از اهداف و رسالت‌های قوانین اساسی این است که حافظ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی باشند و آنها را تضمین کنند و در مقابل مدافع و حافظ حاکمیت باشند. از نمودهای حاکمیت می‌توان به استقلال و تمامیت ارضی کشور اشاره کرد. از این رو قانون‌گذار قانون اساسی در اصل ۹ به این موضوع پرداخته است.

۲. در مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، گفته شده است در فلسفه این اصل باید گفت حفظ واقعی استقلال و تمامیت ارضی یک کشور تنها از طریق تحقق عدالت و آزادی در کشور ممکن خواهد بود، چنانچه در یک جامعه از آزادی‌های عمومی مردم به درستی پاسداری نشود به صورت طبیعی راه برای نفوذ بیگانگان باز خواهد شد و در مقابل ملتی هم که به بیگانگان وابسته باشد آزادی خود را از دست می‌دهد. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحات ۴۲۱-۴۲۶) بنابراین تمامی عناصر مطرح شده در اصل ۹ رابطه متقابل و منطقی با یکدیگر دارند و به همین دلیل قانون اساسی، این مفاهیم را تفکیک‌ناپذیر می‌داند.
۳. آزادی به معنای نبود هرگونه مانع و عدم تقید به هرگونه فشار مادی، روانی و اخلاقی است. (حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، سید محمد هاشمی، صفحه ۲۰۸). آزادی در این اصل در مقابل مفهوم استبداد داخلی قرار داده شده است. اصل ۹ اعتقاد دارد که اعمال استبداد و سلب آزادی‌های عمومی نباید صورت بگیرد.
۴. استقلال به آن حالتی اطلاق می‌گردد که زمامدار و حکومت یک کشور به هیچ وجه تابع سایر کشورها نباشد. (حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، سید محمد هاشمی، جلد ۱، صفحه ۲۰۰) اصل ۹ تمامی انواع و ابعاد استقلال، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... را در بردارد؛ زیرا، اولاً در ابتدای اصل، لفظ استقلال به طور مطلق به کار رفته است و ثانیاً در ذیل اصل اشاره به انواع و ابعاد استقلال شده است.
۵. یکی از عناصر سازنده دولت (در معنای state) سرزمین است؛ وحدت و تمامیت ارضی ناظر بر این عنصر یعنی سرزمین می‌باشد. وحدت حاکم بر بعد درونی سرزمین یعنی یکپارچگی و عدم تجزیه داخلی آن و تمامیت ارضی، بیانگر بعد خارجی سرزمین است و لزوم حفظ و حراست از مرزهای جغرافیایی یک سرزمین و کشور را می‌رساند.
۶. اصل ۹ مانند اصل ۸ بر ملت و مردم وظیفه‌ای را اعمال کرده است و صرفاً وظیفه ذکر شده در اصل ۹ ناظر بر دولت نیست.
۷. دولت در این اصل به معنای حکومت است نه صرفاً قوه مجریه

اصل دهم:**خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی**

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

نکات مهم

۱. خانواده یکی از مهمترین ارکان جامعه است و تاثیرات فراوانی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... جامعه دارد، با توجه به اهمیت فوق‌العاده خانواده و جایگاه آن، قانون اساسی در اصل ۱۰ موضوع خود را به خانواده اختصاص داده است تا این اصل اساسی در مقررات و قوانین مورد توجه قرار گیرد و براساس این اصل قوانین و مقررات تدوین و تنظیم شود.
۲. خانواده در تعریف حقوقی به معنای نهادی است که به موجب عقد نکاح بین زن و مرد به وجود می‌آید (مختصر حقوق خانواده، سید حسن صفایی، صفحه ۱۳).
۳. اصل ۱۰ در مورد وضع مقررات، قواعد و برنامه‌های مربوط به خانواده سه ویژگی را بیان می‌کند، که عبارتند از:
 - ۱- آسانی تشکیل خانواده
 - ۲- حفظ قداست خانواده
 - ۳- استواری خانواده براساس حقوق و اخلاق اسلامی
 قداست به معنای پاکیزگی و پاک بودن از هر پلیدی است و از این رو حفظ قداست خانواده مستلزم دوری از فحشا، فساد و حفظ کرامت و احترام در خانواده است.
۴. مطابق اصل ۱۰، قوانین و مقررات وضع شده در حوزه خانواده باید براساس اخلاق اسلامی باشد. به عنوان نمونه می‌توان در زمینه اخلاق اسلامی به مودت و مهربانی (روم-۲۱) و حسن معاشرت (نساء / ۱۹) و... اشاره کرد همچنین حقوق و وظایف در خانواده هم باید براساس حقوق و وظایفی باشد که دین اسلام برای خانواده برشمرده است. مانند: نفقه یا مهریه.
۵. ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اصل ۱۰ در ارتباط هستند.

اصل یازدهم:**نقش جمهوری اسلامی در ایجاد وحدت در جهان اسلامی**

به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امت اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش بیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

نکات مهم

۱. امت در اصطلاح به معنای گروهی از مردم است که دارای سه عنصر است، عنصر اول، محصور نبودن گروه و جماعت، به معنای دیگر از یک قبیله، زبان و نژاد نیستند. عنصر دوم، وجود رابطه مشترک فرهنگی است و عنصر سوم، داشتن رابطه فرهنگی از نوع رابطه ایدئولوژی و عقیدتی است. (وسیط در ترمینولوژی حقوق، محمدجعفر جعفری لنگرودی، صفحه ۱۴۳)
- بنابراین، منظور از امت اسلامی، مردم مسلمان سراسر جهان می‌باشد که با یکدیگر اشتراک عقیدتی دارند.
۲. قانون اساسی در اصل یازدهم خاطر نشان می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران باید سیاست کلی خود اعم از سیاست داخلی و خارجی را براساس اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و وحدت ملل اسلامی در سه محور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تشکیل امت واحده اسلامی را هدف خود قرار دهد.

اصل دوازدهم:**دین و مذهب رسمی ایران**

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

نکات مهم

۱. قوانین اساسی به شیوه‌های مختلف به نقش و جایگاه دین در نظام ترسیمی خود پرداخته‌اند و برخی آزادی ادیان را نمایانگر شده‌اند و بعضی از قوانین اساسی یک دین را با رعایت احترام به ادیان دیگر به رسمیت شناخته است که این امر ریشه در افکار و عقاید مردم دارد.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی، از انقلاب مردم مسلمان ایران که خواستار تحقق جامعه‌ای بر مبنای آموزه‌های اسلام بودند، پدیدار گشته است و از همین رو قانون اساسی در اصل ۱۲ دین رسمی کشور را اسلام و مذهب رسمی را اثنی عشری اعلام می‌کند و در کنار آن احترام کامل و آزادی را برای سایر مذاهب اسلامی قائل می‌شود. بنابراین قانون اساسی ایران از آن دسته قوانین اساسی است که یک دین را به رسمیت می‌شناسد و برای سایر مذاهب احترام و حقوق کامل قائل است.
۳. دین به معنای مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور فردی و اجتماعی انسان‌ها و تأمین سعادت دنیا و آخرت آنان به وسیله خداوند متعال از طریق بندگان برگزیده ابلاغ شده است (نسبت دین و دنیا، عبدالله جوادی آملی، صفحه ۲۰).
۴. اسلام در لغت به معنای تسلیم و مطیع شدن است و در اصطلاح به معنای یکی از ادیان توحیدی است که پیامبر آن حضرت محمد(ص) و کتاب آن قرآن می‌باشد.
۵. مذهب در ادبیات حقوقی به معنای هر یک از فرقه‌های ادیان به کار رفته است (وسیط در ترمینولوژی حقوقی، محمدجعفر جعفری لنگرودی، صفحه ۶۳۳) به عبارت دیگر هر یک از ادیان به فرقه‌ها و گروه‌هایی تقسیم می‌شوند که مذهب نام دارد.
۶. شیعه یکی از مذاهب دین اسلام است و در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت حضرت علی(ع) بعد از پیامبر(ص) معتقدند و همچنین اعتقاد دارند که امام و جانشین پیامبر از طریق نص شرعی (یعنی کلام شرعی که آشکار و صریح است و فقط یک معنا دارد) تعیین می‌شود. مذهب شیعه نیز به فرق مختلفی تقسیم می‌شود. اکثریت شیعه را فرقه امامیه یا اثنی عشری تشکیل می‌دهد که معتقد به امامت ۱۲ امام بعد از پیامبر اسلام هستند.
۷. مقصود و هدف قانون اساسی از رسمیت بخشیدن به دین اسلام و مذهب اثنی عشری این است که باید شیوه حکومت داری و قوانین و مقررات بر طبق قوانین اسلام باشد و از طرف دیگر، قانون اساسی در تعیین چهارچوب‌های عقیدتی خود و تبیین جایگاه دین در عرصه حکومت نه تنها به بیان دین اکتفا نکرده است، بلکه نوع مذهب را هم مشخص کرده است (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحه ۴۶۲).

۸. اصل ۱۷۷، قابلیت بازنگری در قانون اساسی را پیش‌بینی کرده است اما براساس ذیل اصل ۱۷۷ و اصل ۱۲، این اصل، غیر قابل تغییر می‌باشد.
۹. اصل ۱۲، چهار حق را برای سایر مذاهب اسلامی که شیعه اثنی‌عشری نیستند به رسمیت شناخته است که عبارتند از:
- ۱) حق احترام کامل و پرهیز از توهین به مقدسات آنها
 - ۲) حق آزادی انجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی
 - ۳) حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و دادرسی، مطابق با احکام فقهی مذهب آنها
 - ۴) حق مقررگذاری شوراهای محلی در حدود اختیاراتی که دارند.
۱۰. حقوقدانان برای احوال شخصیه تعاریف متعددی را بیان کرده‌اند اما قانون اساسی با بیان مصادیق احوال شخصیه این مفهوم را روشن کرده است و صرفاً در چهار مورد آنها را شناسایی کرده است که عبارتند از: ۱) ازدواج، ۲) طلاق، ۳) ارث، ۴) وصیت.
۱۱. اصل ۱۲ با دو شرط اجازه‌گذاری شوراهای محلی بر طبق فقه سایر مذاهب اسلامی را داده است: ۱) در صورتی که اکثریت ساکنان آن محل مذهب خاصی غیر از مذهب شیعه اثنی‌عشری داشته باشند.
- ۲) حقوق سایر مذاهب را رعایت کنند.
۱۲. ماده واحده رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مرتبط با قسمت حق بهره‌مندی از احوال شخصیه و مذاهب دیگر اسلامی اصل ۱۲ می‌باشد.

اصل سیزدهم:

اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده در ایران

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

نکات مهم

۱. اقلیت‌های مذهبی مطروحه در اصل ۱۳ در معنای هر گروه اندکی از مردم ایران است که پیرو دین رسمی کشور ایران یعنی اسلام نیستند اما جزء تابعان جمهوری اسلامی ایران هستند و تابعیت ایرانی دارند. قانون اساسی ایران از میان همه ادیانی که در جهان وجود دارد منحصرأً سه دین را به عنوان

- اقلیت دینی به رسمیت شناخته است که عبارتند از: (۱) کلیمی، (۲) مسیحی، (۳) زرتشتی.
۲. پیروان حضرت موسی(ع) را کلیمی، حضرت عیسی(ع) را مسیحی و زرتشت(ع) را زرتشتی می‌نامند.
۳. قانون اساسی برای اقلیت‌های دینی دو حق را در نظر گرفته است که شامل موارد زیر می‌باشد:
- (۱) حق آزادی انجام مراسمات دینی و تعلیمات دینی
- (۲) حق آزادی احوال شخصیه
۴. ماده واحده ۱۳۷۲ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص رسیدگی به دعاوی مطروحه، راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی و ماده واحده مصوب ۱۳۱۲ در خصوص اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه با این اصل مرتبط است.

اصل چهاردهم:

لزوم رعایت حقوق غیرمسلمانان

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند، این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

نکات مهم

۱. قانون اساسی ایران در اصل ۱۳ به تبیین جایگاه اقلیت‌های دینی شناخته شده، پرداخته است و این بار در اصل ۱۴ به تعیین جایگاه غیرمسلمانانی که جزو اقلیت‌های دینی نیستند می‌پردازد.
۲. مقصود از غیرمسلمانان در اصل ۱۴، افرادی هستند که اولاً جزء اقلیت‌های دینی ذکر شده در اصل ۱۳ نباشند (در خصوص آنها به طور جداگانه در اصل ۱۳ بحث شد) ثانیاً در حال مقابله و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران نباشند.
۳. چهارچوب رفتاری که اصل ۱۴ در برخورد با غیرمسلمانان ترسیم می‌کند دارای سه ویژگی است که عبارتند از:
- (۱) اخلاق حسنه
- (۲) عدالت
- (۳) رعایت حقوق انسانی
۴. دولت در این اصل به معنای حاکمیت می‌باشد.

فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور

فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اختصاص به ویژگی‌ها و اصول شکلی حکومت جمهوری اسلامی ایران دارد.

در فصل اول، اصول مربوط به محتوا و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، بررسی شد و در فصل دوم، اصول مربوط به شکل ظاهری نظام جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود.

اهمیت این فصل در آن است که عوامل شکل‌گیری یک مجموعه در کنار محتوای آن، اجزای تشکیل‌دهنده هویت آن مجموعه هستند و شکل در کنار محتوا نشانه هویت و شناسنامه یک ملت است (تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تحلیل مبانی اصل ۱۵ قانون اساسی، آیت‌الله عباس کعبی، صفحه ۳)

اصل پانزدهم:

زبان و خط رسمی ایران

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

نکات مهم

۱. قانون اساسی زبان و خط رسمی کشور را در اصل ۱۵، زبان فارسی اعلام می‌دارد زیرا اکثریت مردم ایران، فارسی‌زبان هستند.
۲. به رسمیت شناخته شدن زبان فارسی باید در اسناد، مکاتبات، متون رسمی و کتب درسی عینیت یابد و همه آنها براساس زبان و خط فارسی باشند اما با این حال قانون اساسی به طور کامل زبان‌های محلی را منسوخ نمی‌داند و استفاده از آنها را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی یا تدریس آنها به شرط این که منحصراً زبان محلی تدریس نشود و در کنار زبان فارسی باشد، جایز می‌شمارد.

اصل شانزدهم:**لزوم آموزش زبان عربی در مدارس**

از آن جا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه، در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

نکات مهم

۱. در اصل ۱۵ زبان اصلی کشور فارسی اعلام شده اما در ادامه، اصل ۱۶ آموزش زبان عربی را پس از دوره ابتدایی تا پایان متوسطه الزامی می‌داند و در خود اصل دلیل این الزام بیان می‌شود تا تناقضی که بین اصول ۱۵ و ۱۶ پیش می‌آید رفع شود.
دلایل مطروحه در اصل ۱۶ عبارتند از:
(۱) آمیخته شدن زبان فارسی با زبان عربی
(۲) برای فهم معارف اسلامی و قرآن که به زبان عربی می‌باشند، نیاز به یادگیری زبان عربی است و چون نظام جمهوری اسلامی ایران بر طبق دستورات اسلامی می‌باشد، بنابراین گریزی از یادگیری زبان عربی نمی‌باشد.
۲. علت اینکه آموزش زبان عربی در دوره ابتدایی الزامی نشده این است که در دوران ابتدایی خواندن و نوشتن زبان فارسی صورت می‌گیرد و بهتر است صرفاً بر همان زبان تمرکز شود. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۱، صفحه ۵۸۱)

اصل هفدهم:**هجرت پیامبر اکرم (ص)؛ مبدا تاریخ رسمی کشور**

مبدا تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

نکات مهم

۱. در اصل ۱۷، دو موضوع مطرح شده است که عبارتند از:
 - (۱) هجرت پیامبر اسلام به عنوان مبدأ تاریخ رسمی کشور
 - (۲) شناسایی روز جمعه به عنوان تعطیلی رسمی
۲. دو دلیل را برای انتخاب هجرت پیامبر به عنوان مبدأ تاریخ رسمی کشور می‌توان برشمرد
 - (۱) عمل به سیره پیامبر، زیرا پیامبر در دوران حکومت اسلامی‌شان مبدأ تاریخ را از زمان هجرت از مکه به مدینه اعلام کرده بودند.
 - (۲) انتخاب تاریخ هجرت پیامبر به عنوان مبدأ تاریخ رسمی کشور نشان‌دهنده هویت اسلامی حکومت ایران و عقبه‌ای است که حکومت جمهوری اسلامی ایران از آن نشأت گرفته و پیروی کرده است.
۳. قانون اساسی علاوه بر اینکه تاریخ هجری شمسی را مبنای کار ادارات قرار داده است، تاریخ هجری قمری را هم معتبر می‌داند و علت آن، این است که چون برخی هنجارها و احکام نظیر روزه‌داری یا افزایش مقدار دیه در ماه‌های حرام براساس ماه‌های هجری قمری است و از سوی دیگر جامعه ایران، جامعه اسلامی است بنابراین گریزی از اجرای این احکام نمی‌باشد. در نتیجه، قانون اساسی در کنار تاریخ هجری شمسی، تاریخ هجری قمری را هم معتبر می‌داند.
۴. در همه کشورهای دنیا یک روز در هفته را به عنوان روز تعطیل اعلام کرده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم، روز جمعه را به عنوان روز تعطیل در هفته شناسایی کرده است و علت این امر آن است که چون جامعه، جامعه اسلامی است و دین اسلام آداب و اعمال ویژه‌ای را برای روز جمعه وضع کرده است، بنابراین از میان روزهای هفته، روز جمعه از اولویت بیشتری برای تعطیلی برخوردار می‌باشد که مسلمانان بتوانند با فراغت بیشتری این اعمال را انجام دهند. (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، جلد ۱، صفحه ۶۰۰)

اصل هجدهم:

مشخصات پرچم رسمی ایران

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

نکات مهم

۱. پرچم هر کشور یکی از ارکان هویت و نماد آن کشور می‌باشد و نشان‌دهنده استقلال آن از دیگر کشورهای جهان است. از همین رو قانون اساسی در اصل ۱۸ به توصیف پرچم کشور ایران پرداخته است.
۲. پرچم به معنای پارچه یا کاغذی است که نقوش خاصی بر آن کشیده شده است و نماد یک سازمان، قوم یا کشور می‌باشد.

فصل سوم: حقوق ملت

در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مصادیق حقوق و آزادی‌هایی که دولت موظف و متعهد است که در برابر شهروندان آنها را رعایت و حفظ کند، پرداخته شده است. به طور کلی در فصل سوم، قانون اساسی سه نوع حق را برای شهروندان متصور شده و رعایت این ۳ دسته حقوق را جزء تکالیف دولت قرار داده است.

(۱) حقوق مدنی و سیاسی

(۲) حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

(۳) حقوق قضایی

اصل نوزدهم:

تساوی حقوق اقوام مختلف

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

نکات مهم

- با توجه به این اصل، نژادپرستی و برتری‌جویی قومی و قبیله‌ای در هر شکل و شیوه‌ای مردود و باطل است و هیچ‌کس نباید به بهانه این‌گونه اختلافات ادعای برتری بر دیگران را در مواجهه با قانون ابراز نماید.
- برابر بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف است همه امکانات خود را برای تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم مردم در برابر قانون به کار گیرد.

اصل بیستم:**تساوی حقوق جنسیت‌های مختلف**

همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

نکات مهم

۱. به موجب اصل بیستم تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان مورد حمایت قرار می‌گیرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.
۲. اصل برابری و تساوی همه افراد در برابر قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنچنان از اهمیت بالایی برخوردار است که حتی بالاترین شخصیت نظام یعنی مقام رهبری نیز از این اصل مستثنی نیستند و در ذیل اصل صد و هفتم قانون اساسی چنین ذکر شده است که: رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.
۳. بر اساس قانون اساسی رعایت حقوق افراد، فقط مختص مسلمانان نیست بلکه باید در جمهوری اسلامی ایران، حقوق تمامی انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان کاملاً براساس موازین شرعی و قانونی رعایت گردد، چنانچه در اصل چهاردهم قانون اساسی بیان شده است دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

اصل بیست و یکم:**وظیفه دولت در حفظ حقوق زن**

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیاء حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

نکات مهم

۱. با وجود اینکه حقوق و آزادی‌هایی که برای شهروندان در نظر گرفته می‌شود شامل زنان و بانوان هم می‌باشد اما به دلیل اینکه همواره زنان در طول تاریخ مورد ظلم و تبعیض قرار گرفته‌اند قانون اساسی جایگاه ویژه و اصل مجزایی را به حقوق آنها اختصاص داده و در اصل ۲۱ به مسئله حقوق زن توجه کرده است و همچنین جدا از کلیاتی که در اصول ۱۹ و ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ در خصوص برابری حقوق همه افراد و تساوی آنان در برابر قانون گفته شد، اصل ۲۱ در پنج مورد ارتقاء حقوق زن را وظیفه دولت دانسته است.
۲. قانون حمایت خانواده به موجب بند ۳ اصل ۲۱ و قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست براساس بند ۲ و ۴ اصل ۲۱ تصویب شده‌اند.

اصل بیست و دوم:

مصونیت حقوق اشخاص از تعرض

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون حکم کند.

نکات مهم

۱. اصل ۲۲ جزء یکی از مصادیق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد را از هرگونه تعرض مصون می‌دارد.
۲. منظور از حیثیت، اعتبار و آبرو است (فرهنگ معین).
۳. تعرض به معنای دست درازی کردن و آسیب رساندن می‌باشد (لغت نامه دهخدا).
۴. در این اصل هرگونه تعرض از سمت هر فرد یا هر مقامی به موارد ذکر شده ممنوع اعلام شده است. اما در صورت لزوم و تنها در حدود قانون به این امر مجوز داده شده است.
۵. اشخاص در این اصل دارای اطلاق است، بنابراین همه افراد اعم از مسلمانان یا غیرمسلمانان از هر قوم و گروه و مذهب از تعرض به موارد ذکر شده در اصل ۲۲ مصون می‌باشند.

اصل بیست و سوم:

مصونیت تفتیش عقاید

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

نکات مهم

۱. حق بر آزادی عقیده تنها حقی است که در قانون اساسی بدون هیچ قید و شرطی تضمین شده است. (این نکته در کنکور کارشناسی ارشد سال ۹۶ جزء سوالات بوده است).
۲. اصل ۲۳ به یکی دیگر از مصادیق حقوق مدنی و سیاسی که عدم تفتیش عقیده است، می‌پردازد.
۳. تفتیش عقیده به معنای بازپرسی و جستجو در باورها افراد است و به اعمالی گفته می‌شود که فرد دارای موضع قدرت، مردم را به دلیل باورهایی که دارند بازخواست می‌کند.
۴. این اصل حاوی دو قسمت است:
۵. قسمت نخست خاطر نشان می‌کند که نمی‌توان عقاید افراد را مورد سؤال و پرسش قرار داد و قسمت دوم بیان می‌کند که اگر هم عقیده فردی مشخص شده باشد، نمی‌توان آن را به صرف داشتن آن عقیده مورد مواخذه قرار داد.
۶. از مفهوم مخالف اصل، این نکته به دست می‌آید که نمی‌توان کسی را به داشتن عقیده‌ای اجبار کرد.

اصل بیست و چهارم:

آزادی بیان در مطبوعات و حدود آن

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

نکات مهم

۱. آزادی بیان یکی از حقوق مدنی و سیاسی شهروندان است و مصادیق متعددی دارد. یکی از مصادیق آن، آزادی مطبوعات می‌باشد و اصل ۲۴ قانون اساسی به دلیل اینکه مطبوعات نقش بسزایی در آگاهی مردم و نشر عقاید و اطلاعات دارند به آزادی بیان مطبوعات پرداخته است.
۲. حق آزادی بیان، حق ابراز عقیده می‌باشد.
۳. براساس ماده یک قانون مطبوعات، منظور از مطبوعات، نشریاتی هستند که به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، امنیتی، نظامی، هنری و ورزشی و... اینها منتشر می‌شود.
۴. آزادی بیانی که اصل ۲۴ به نشریات و مطبوعات داده است، آزادی بی قید و شرط نیست و تا جایی که مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی نباشد مجاز است.
۵. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصل ۲۴ مرتبط است.

اصل بیست و پنجم:**لزوم حفظ حریم خصوصی**

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

نکات مهم

- این اصل در خصوص حفظ اطلاعات و مسائل و اسرار شخصی و خصوصی افراد است و مربوط به حقوق مدنی و سیاسی شهروندان می‌باشد.
- قانون اساسی در اصل ۲۵ هرگونه تجسس در اطلاعات و مسائل و اسرار خصوصی افراد را ممنوع اعلام کرده است و تنها در صورتی مجاز است که قانون حکم کند و چهارچوب و مقررات آن را نیز قانون مشخص کند اما تاکنون قانونی در این زمینه منتشر نشده است.
- مواد ۸۱۳ قانون مجازات اسلامی و ۱۲ اعلامیه حقوق بشر و بند یک ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با اصل ۲۵ مرتبط است.

اصل بیست و ششم:**آزادی فعالیت احزاب و جمعیت‌های مختلف و حدود آن**

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

نکات مهم

- یکی از نمودهای عینیت یافته مشارکت مردم در اداره امور مملکت و حاکمیت، شناختن حق آزادی افراد برای تشکیل احزاب و انجمن‌ها و... است که نمونه‌ای از اجرای حقوق مدنی و سیاسی در جامعه می‌باشد. قانون اساسی در اصل ۲۶ حق آزادی تشکیل احزاب، انجمن‌ها و... را به رسمیت شناخته و به آن پرداخته است.
- مطابق ماده ۱ تا ۴، قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی

یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ عناوین ذکر شده در اصل ۲۶ این تعریف را دارند: ماده ۱- حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آنها تشکیلاتی است که دارای مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط‌مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.

ماده ۲- انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن تشکیلاتی است که به وسیله دارندگان کسب یا پیشه یا حرفه و تجارت معین، تشکیل شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آنها به گونه‌ای در جهت منافع خاص مربوط به آن صنف باشد.

ماده ۳- انجمن اسلامی هر واحد اداری، آموزشی، صنفی، صنعتی و یا کشاورزی تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان واحد که هدف آن شناختن و شناساندن اسلام، امر به معروف و نهی از منکر و تبلیغ و گسترش انقلاب اسلامی باشد.

ماده ۴- انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضای داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.

۳. آزادی بیان شده در اصل ۲۶، باید اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکند و اگر موجب نقض شود؛ دیگر احزاب و جمعیت‌ها انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی، آزادی عمل ندارند.

۴. ابتدای اصل ۲۶ درباره آزادی تشکیل و عملکرد احزاب جمعیت‌ها و... می‌باشد و در ذیل اصل، به آزادی افراد برای عضویت در این گروه‌ها پرداخته است و گفته شده نمی‌توان افراد را از شرکت در این گروه‌ها منع کرد و یا به شرکت در آنها مجبور ساخت.

۵. قانون فعالیت احزاب جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ مرتبط با این اصل است.

اصل بیست و هفتم:

آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

نکات مهم

۱. گاهی افراد برای بیان نظرات یا اعتراضات خود اجتماعی تشکیل می‌دهند یا راهپیمایی می‌کنند؛ قانون اساسی در اصل ۲۷ این امر را مجاز دانسته و به رسمیت شناخته است به شرطی که بدون حمل سلاح باشد و مخل مبانی اسلام نباشد.
۲. سلاح در این اصل دارای اطلاق است و شامل انواع سلاح گرم و سرد می‌شود.
۳. ذکر این نکته شایان توجه است که برگزاری راهپیمایی و اجتماعات بدون نیاز به کسب اجازه قبلی از مقامات و نهادهای حکومتی است.

اصل بیست و هشتم:

آزادی انتخاب شغل

هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

نکات مهم

۱. حق داشتن شغل و انتخاب آزادانه شغل یکی از مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان است که اصل ۲۸ قانون اساسی این حق را برای شهروندان به رسمیت شناخته و درباره آزادی انتخاب شغل سخن گفته است.
۲. آزادی انتخاب شغل در اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب عدم تعارض با اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران می‌باشد که در غیر این صورت محدودیت اشتغال به آن شغل ایجاد می‌شود. مسلماً ضوابط محدودیت برای انتخاب شغل باید از طریق قانون مشخص شود.
۳. مطابق اصل ۲۸، دولت وظیفه دارد که با توجه به نیاز جامعه، امکان اشتغال برای همه افراد آماده به اشتغال را در شرایط مساوی ایجاد کند و از طرفی نمی‌تواند، کسی را به انجام کاری مجبور کند یا حمایت قانونی خود را سلب کند.
۴. استفاده از واژه «هرکس» در این اصل، نشان‌دهنده آن است که این اصل شامل همه افراد جامعه

اعم از زن و مرد مسلمان و غیرمسلمان و... می‌شود و حق داشتن شغل و آزادی انتخاب شغل شامل همه افراد جامعه است.

۵. ماده ۶ قانون کار مرتبط با این اصل می‌باشد.

۶. ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در خصوص حق داشتن شغل می‌باشد.

اصل بیست و نهم:

حق برخورداری از تأمین اجتماعی

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند.

نکات مهم

۱. تأمین اجتماعی از جمله حقوق اقتصادی و رفاهی برای شهروندان است و به معنای موظف بودن دولت برای فراهم کردن امنیت اقتصادی افراد در قبال نقصان درآمد ناشی از بیکاری، پیری، بیماری و... می‌باشد.

۲. اصل ۸، ۲۹، مورد از مواردی که شامل حقوق تأمین اجتماعی می‌شوند را برشمرده است که عبارتند از: (۱) بازنشستگی (۲) بیکاری (۳) پیری (۴) از کار افتادگی (۵) بی‌سرپرستی (۶) در راه ماندگی (۷) حوادث (۸) خدمات بهداشتی و پزشکی.

۳. این اصل زمینه اجرای تأمین اجتماعی و حقوق رفاهی شهروندان را در قالب بیمه معرفی کرده است اما با آوردن کلمه «و غیره»، تنها قالب بیمه را برای اجرای این حقوق منحصر ندانسته است.

۴. قانون اساسی در اصل ۲۹ محل فراهم آوردن خدمات و حمایت‌های مالی برای تأمین اجتماعی شهروندان را از طریق: ۱- درآمدهای عمومی و ۲- درآمدهای حاصل از مشارکت مردم معرفی کرده است و وظیفه تأمین و فراهم کردن این حمایت‌ها و خدمات را بر عهده دولت گذاشته است.

۵. درآمدهای عمومی عبارتند از: درآمدهای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، مالیات، سود سهام